

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۶ اکتوبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۶۸

مُقَطَّعات

۶۹

خواستن قرض

ای کاخ نظم را ز بنان تو، ارتفاع
هم مجلس ذکای ترا عقل و دل، آرهی
هیچ آگه است و هست که امسال ماه حج
امروز شهزاده و الامکان چرخ
در حق بنده کرده عطا مبلغی، که هست
لیکن حصول آن نشود کم، ز هفته ای
آ(باشم زمین منت تو، تا به روز حشر
چون زر به دست آیدم، آن را ادا کنم
وی ملک نثر را ز بیان تو انتظام
هم خواجه وفای ترا هوش و جان، غلام
از بی‌زری گذشته به من چون مه صیام
بندد کمر به خدمتش، از روی اهتمام
اعداد آن به قدر دو ربع مه تمام
وامروز از ضرور مرا گشته، تا به شام
عُشری ازان اگر بفرستی، به رسم وام
وین قطعه محبت است نگهدار، والسلام

^۱ "بنان" (به فتح اول) کلمه عربی و در معنای "انگشتان" یا "نوکهای انگشت"

^۲ "رهی" (به فتح اول) کلمه دری و در معنای "نوکر" است

^۳ این بیت در نسخه فیض محمد اصل کاتب موجود نبود.